



خطبه امام سجاد (ع) در کوفه

قال حذیم بن شریک الأسدی خراجَ زین العابدین (ع) إلى الناس وأومی إلیهم أن
أسکتوا فسکتوا و هو قائمٌ فحمد الله وأثنى علیه و صلی علی نبیه. ثم قال:

حذیم بن شریک أسدی می گوید: زین العابدین (ع) برابر مردم آمد و اشاره به سکوت کرد!

خاموش شدند و او ایستاده . و ستایش خدای را کرد و بر نبی (ص) درود فرستاد. آنگاه گفت:

أيها الناس من عرفني فقد عرفني ومن لم يعرفني فأنا على بن الحسين المذبوح بسط الفرات من غير
ذحل ولا ترات

ای مردم! هر کس مرا می شناسد، می شناسد و هر کس نمی شناسد بگویم من علی فرزند حسینم که در کنار
فرات او را کشتند بی آنکه خونی طلبکار باشند و قصاصی خواهند

فأنا ابن من اتتهك حريمه وسلب نعيمه انتهب ماله وسبي عياله أنا ابن من قتل صبرا فكفى
بذلك فخرا

من پسر آن کسم که حرمت او بشکستند و امنیت او را در هم شکستند و مال او تاراج کردند و عیال او را به
اسیری گرفتند منم پسر آن کسم که او را به زاری کشتند و این فخر ما بس.

أَيُّهَا النَّاسُ! نَاشِدُكُمْ بِاللَّهِ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ إِلَى أَبِي وَخَدَعْتُمُوهُ وَأَعْطَيْتُمُوهُ مِنْ أَنْفُسِكُمْ
الْعَهْدَ وَالْمِيثَاقَ وَالْبَيْعَةَ ثُمَّ قَاتَلْتُمُوهُ وَخَدَلْتُمُوهُ؟

ای مردم شما را به خدا سوگند می دهم آیا در خاطر دارید سوی پدر من نامه نوشتید و او را فریب دادید
و پیمان و عهد و میثاق بستید و بیعت کردید؟ و باز با او کارزار کردید و او را بی یاور گذاشتید؟

فَتَبَّالِكُمْ مَا قَدَّمْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَسَوَاءٌ لِرَائِكُمْ

هلاک باد شما را! چه توشه ای برای خود پیش فرستادید! و زشت باد رأی شما!

بِأَيَّةِ عَيْنٍ تَنْظُرُونَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) يَقُولُ لَكُمْ:

قَتَلْتُمْ عِزِّي وَاتَّهَكَّتْ حُرْمَتِي فَلَسْتُمْ مِنْ أُمَّتِي؟

به کدام چشم به روی پیغمبر (ص) نظر می افکنید وقتی با شما گوید :

عزت مرا کشتید و حرمت مرا شکستید، پس، از امت من نیستید؟

قال: فَارْتَفَعَتْ أَصْوَاتُ النَّاسِ بِالْبُكَاءِ وَ يَدْعُو بَعْضُهُمْ بَعْضًا هَلَكْتُمْ وَ مَا تَعْلَمُونَ.

راوی گفت: صدای مردم به گریه بلند شد و به یکدیگر می گفتند هلاک شدید و نفهمیدید

فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ:

رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا قَبْلَ نَصِيحَتِي وَحَفِظَ وَصِيَّتِي فِي اللَّهِ وَفِي رَسُولِهِ وَفِي أَهْلِ بَيْتِهِ

فَإِنَّ لَنَا «فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةَ حَسَنَةً»

پس علی بن الحسین (ع) فرمود:

خدای رحمت کند آن که نصیحت من بپذیرد وصیت مرا محض خدا و رسول صلی الله علیه و آله و خاندان وی نگاهدارد! که برای ماست آیه «فی رسول الله (ص) اسوة حسنة»

فَقَالُوا بِأَجْمَعِهِمْ نَحْنُ كُلُّنَا يَا أَبْنَ رَسُولِ اللَّهِ سَامِعُونَ مُطِيعُونَ حَافِظُونَ لِدِمَامِكَغَيْرِ زَاهِدِينَ
فِيكَ وَ لَا رَاغِبِينَ عَنْكَ فَمَرْنَا بِأَمْرِكَ رَحِمَكَ اللَّهُ فَإِنَّا حَرْبٌ لِحَرْبِكَ وَ سَلْمٌ لِسَلْمِكَ
لِنَأْخِذَنَّ تَرْتِكَ وَ تَرْتَنَا مِمَّنْ ظَلَمَكَ وَ ظَلَمْنَا

همه گفتند: یابن رسول الله ما فرمانبرداریم و پیمان تو را نگاهداریم دل به جانب تو داریم و هوای تو در خاطر ماست خدای تو را رحمت فرستد فرمان خویش بفرمای که ما جنگ کنیم با هر که جنگ تو خواهد و آشتی کنیم با هر کس تو با او صلح کنی و قصاص خون تو را از آنها که بر تو و ما ستم کردند بخواهیم.

فقال علي بن الحسين ع:

هيهات! أيها العذرة المكرة!

حیل بینکم و بین شهواتِ انفسکم اتریدون ان تاتوا الی کما اتیتم الی آباپی من قبل

پس علی بن الحسین (ع) فرمود:

هیهات. ای بی وفا یان مکار!

میان شما و شهوات حایل آمد می خواهید همان اعانت که پدران مرا کردید همان گونه مرا هم اعانت کنید

كَلَّا وَرَبِّ الرَّاقِصَاتِ إِلَى مَنِيفَانَ الْجُرْحِ لَمَّا يَنْدَمِلُ

سوگند به پروردگار شترانی که حاجیان را به منی و عرفات می برند هنوز زخمها التیام نیافته است

قُتِلَ أَبِي بِالْأَمْسِ وَأَهْلُ بَيْتِهِ مَعَهُ فَلَمْ يُنْسِنِي تُكُلِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَتُكُلِ أَبِي وَبَنِي أَبِي وَ
جَدِّي شَقَّ لَهَا زِمِي وَمَرَارَتُهُ بَيْنَ حَنَا جَرِي وَحَلَقِي وَغُصَصُهُ تُجْرِي فِي فِرَاشِ صَدْرِي

پدرم دیروز کشته شد و اهل بیت او هم با او کشته شدند و هنوز داغ پیغمبر فراموشم نگشته و تلخی آن میان
حلقوم و حنجره‌ی من است و اندوه آن در سینه‌ی من مانده است

مَسَّالْتِي أَنْ لَا تَكُونُوا لَنَا وَلَا عَلَيْنَا

و خواهش من این است نه با ما باشید و نه بر ما!

ثم قال (ع)

آنگاه این اشعار را فرمود:

قَدْ كَانَ خَيْرًا مِنْ حُسَيْنٍ وَكَرَّمَا

که پدر بزرگوارش از او بهتر و گرامی تر بود

أُصِيبَ حُسَيْنٌ كَانَ ذَلِكَ أَعْظَمَا

آن واقعه (قتل پدرش) بزرگتر بود (بروید بر آن

خوشحالی کنید) (جمله کنایه آمیز است)

جَزَاءُ الَّذِي أَرْدَاهُ نَارُ جَهَنَّمَا

و کیفر آنکس که او را کشت آتش جهنم است.

لَا غُرُورًا نِ قَتْلِ الْحُسَيْنِ وَشَيْخُهُ

شگفت آور نیست اگر حسین کشته شد

فَلَا تَفْرَحُوا يَا أَهْلَ كُوفَةَ بِالَّذِي

خوشحالی نکنید به آنچه بر حسین آمد

قَتِيلُ بَشِطِ النَّهْرِ نَفْسِي فِدَاؤُهُ

جانم فدای آن که در کنار نهر فرات شهید شد